

بسمه تعالی

جلسه ۴۵

عنوان درس:	درس خارج فقه الصلاة	سال تحصیلی: ۱۳۹۹- ۱۴۰۰	تاریخ درس:	۱۳۹۹/۹/۲۵
عنوان فرعی ۱	شروط التقصیر			
عنوان فرعی ۲	جلسه ۴۵			
عنوان فرعی ۳	بررسی کتاب فقه الرضا			
مقرر:	حجة الاسلام و المسلمین سجاد آریس و اصغر حیدری			

شروط التقصیر :

مطلب اول :

در مبحث پیشین به اینجا رسیدیم که اصل وجود کتابی در فقه منسوب به امام رضا صلوات الله علیه این جای تشکیک ندارد و خبرهایی که نقل شده است معلوم می شود که یک چیزی بوده است حالا به هر نامی مثلاً فقه الرضا یا صحیفه الرضا یا کلیات شامل و ... پس اصل این مطلب قابل انکار نیست. و این که بعضی ها می گویند در قرون متاخره این کتاب پیدا شده است این درست نیست و با این اخباری که نقل شد معلوم می شود که این بوده است اما به دست علمای ما نرسیده است.

مطلب دوم :

در مطلب دوم بحث ما در صحت نسبت این کتاب به امام رضا علیه السلام است. ممکن است کسی یک مجموعه ای از احادیث را جمع کرده و به اسم امام رضا جعل کرده است و ما چنین احتمالی را نمی توانیم نفی کنیم .

یک کتابی است که از محققین اهل سنت نوشته اند و البته بعد هم متشیع شده اند به نام محمود ابوریه از علمای الازهر است این خیلی کتاب ارزشمندی است به نام من یه وقتی فکر می کردم که طلبه ها باید این کتاب را بخوانند تا معلوم بشود برایشان خیلی از اشکالات که در احادیث نقل شده است از رسول خدا مخصوصا در منابع اهل سنت اشکالاتش معلوم بشود. اسم کتاب اضواء علی السنه النبویه است. یک بحثی دارند تحت عنوان الوضاء الصالحون یعنی آدم های صالح و متدین که وضع حدیث می کردند بعد میاد نقل میکنند که من این همه حدیث در فضل فلان مطلب نقل کردم تا مردم تشویق شوند و کار خیر انجام دهند . یه روایتی در کافی از امام صادق علیه السلام است که می فرمایند : من یکی از کبار صوفیه را دیدم که خیلی از مردم دور او جمع شده اند به عنوان یک آدم عارف زاهد و ... و منتظر ماندم ببینم این چه کاری می کند بعد مردم متفرق شدند و این هم رفت و من راه افتادم دنبال او ببینم کجا می رود دیدم رفت به یه نانوائی رسید و دو قرص نان دزدید و در آستین گذاشت و رفت سراغ بقالی انار دزدید و بعد رفت یه فقیر دید و یه مقداری از اونها به او دارد و هکذا به بقیه فقیرها و ... گفتم این چه کاری بود که کردی ؟ گفت طبق قرآن عمل کردم . گفتم کجای قرآن ؟ گفت من جاء بالحسنه فله عشر امثالها و من جاء بالسيئه فله مثلها

خلاصه یه چنین شیوه ای بوده است و اینجا هم ممکن است کسی گفته من پیام یه کتابی را به امام رضا نسبت بدهم تا مردم به آن عمل کنند و ثواب ببرند . این مساله در بین اهل سنت بیشتر رواج داشته است و این آقای محمود ابوریه نمونه های زیادی را میاورد و خودشان اقرار می کنند که ما این کار را کردیم و من هم احتمال می دهم این کتاب کتابی باشد که مولف آن شیعی نباشد یا تظاهر به تشیع می کرده اند .

ما در صحت نسبت این کتاب بحث داریم و عرض ما این است که این کتاب لا یمکن ان یکون منسوباً الی الامام الرضا و صحت نسبتش کاملاً زیر سوال است و بسیار مستبعد است که چنین کتابی تالیف امام رضا باشد چون در کنار این نقل ها همه می گویند تالیف امام رضا نه احادیث امام رضا .

قرائن نافی نسبت این کتاب به امام :

قرائن زیادی وجود دارد که این نسبت را نفی می کنند:

قرینه اول

اینکه چنین کتاب تالیف امام رضا باشد و هیچ اثری از آن در کتب حدیثی اصحاب در اون اصول اولیه تالیف مدونات حدیثی در عصر غیبت صغری و بعد قرن ۴ و ۵ در این اصول اربع مائه که در دست اصحاب بود و سایر کتب حدیثی که بعد هم در کتب

اربعه تجميع شد و نه تنها از این کتاب نقل نشده اصلاً اسمی از این کتاب برده نشده است و خیلی جای استبعاد دارد در حالی که داعی بر نقل از این کتاب بسیار بالا بوده است ، کتابی که امام رضا خودشان تالیف کرده باشند حتی اگر احتمال میدادند که چنین کتابی باشد می رفتند دنبالش و آن را پیدا می کردند . و لذا این یکی از قرائن مُبَعَدَه صحت این نسبت است که با وجود داعی بسیار بالا هیچ اثری از نام این کتاب در کتب و بیانات اصحاب نه در فقه و نه در حدیث شان وجود ندارد و نه محدثین به آن اشاره کرده اند و نه در کتب فقهیه به آن اشاره شده است حتی **ابن بابویه** که می گویند خیلی متن کتب فقهی او مطابقت دارد با این کتاب فقه الرضوی ولی ممکنه کسی از ابن بابویه این احادیث را جعل کرده است و قضیه عکس بوده است.

قرینه دوم

ائمہ بعد از امام رضا علیهم السلام هیچ اشاره ای به این کتاب نکرده اند با این که ائمہ اطهار کرارا به کتاب علی صلوات الله و سلامه علیه اشاره کرده اند مثلاً می فرمایند : **وجدنا فی کتاب علی** ... و این در کتب اهل سنت هم آمده که یک کتابی نزد علی بن ابی طالب بوده است که حضرت در آن کتاب مجموعه فقه و احکام را تدوین کرده اند و این کتاب بوده و این قدر مشهور بوده که نه تنها در کلام ائمہ بلکه در کلام اهل سنت و محدثین کلاً بر سر زبانشان بوده است. اگر چنین کتاب از امام رضا هم بود ائمہ بعد ایشان هم باید به اشاره ای به این کتاب می کردند و می فرمودند وجدنا راینا یا... اینکه این کتاب از امام رضا باشد و این کتاب به دست ائمہ بعد ایشان هم نرسد به طوری که ائمہ نه تنها روایتی از آن نقل نکنند بلکه حتی اشاره ای هم به آن نکنند که مثلاً این کتاب بوده و گم شده مثلاً این بعید است.

قرینه سوم

این کتاب را اگر کسی مراجعه کند فراوان ، فراوان شاید بتوان گفت صد ها بار مطالبی را که نقل می کند می گوید **رُوی عن رسول الله** و امام نمایانند مطلبی را که می خواهند به پیامبر یا امیر المومنین نسبت بدهند بگویند روی چون علم پیامبر و امیر المومنین نزد آنها بوده است و نسبت به مجهول دادن معنی ندارد . این اولاً در سیره ائمہ وجود نداشته است که بخواهند به مطلبی را نقل بکنند بخواهند بگویند رُوی مگر اینکه یک داعی خاصی داشته باشند فرض کنید به مطلبی را می خواستند بگویند اهل سنت روایت کرده اند می گفتند روی در نزد اهل سنت و این هم خیلی نادر است و داعی بر اسناد به مجهول وجود داشته است . اما ائمہ بخواهند احکام نقل بکنند آن هم به کتابی مثل کتاب فقه الرضای معروف متداول که چند هزار حکم در آن آمده است و مفصل است و از اول طهارت تا دیات و بلکه اخلاقیات در این کتاب آمده است بعد در این کتتاب مفصل امام بگویند روی ؛ روی ... حتی بعضی از جاها دارد که روی بعض العلماء البته این را میشود گفت اشکالی ندارد چون ائمہ گاهی از خودشان به علماء تعبیر می کردند اما تعبیر رُوی قابل جواب نیست آن هم نه یک یا دو مرتبه که قابل توجیه باشد بلکه فراوان این تعبیر وجود دارد و روایت از پیامبر را نمی شود امام رضا بگویند روی بلکه باید از آبائشان نقل کنند چون روایات آنها نزد ائمہ بوده است نه کسی دیگر، نمیشود بگوئیم اشخاصی از ائمہ در علم بالاتر بوده اند و یا ائمہ از غیر خود روایت کنند آنها عالم به همه احادیث بلکه محل رجوع برای نقل حدیث بوده اند .

ما بحثی داریم در بحث جواز اسناد الی الله ممکن است کسی بگوید که اگر ثابت شد به خبر واحد که این روایت را امام صادق گفته است ، شما می توانید آن را به امام صادق نسبت بدهید با این که علم نداریم این است اما اگر گفتیم دلیل حجیت خبر واحد جواز اسناد را درست می کنند می توان به خدا هم نسبت داد .

حالا اگر هم نگوئیم که دلیل خبر واحد دلالت بر جواز اسناد دارد ، ما دلیل داریم نسبت به اینکه امام صادق می فرمایند هر حدیثی را که اگر از من روایت کنی می توانی این را به امیر المومنین نسبت بدهی یا به رسول الله نسبت بدهید یا به سایر ائمه .

ما در بحث سکونی این را گفتیم که بعضی ها می گویند سکونی عامی است چون هر روایتی را نقل می کند می گوید روی الصادق عن ابیه عن ابائه عن رسول الله چون مسند به رسول الله می کند پس به امام صادق نبوده است اما ما میگوئیم اینطور نیست اینها برای اینکه حدیث در بین اهل سنت رواج پیدا بکند ، حدیث را مسند می کردند و الان یکی از اشکالاتی که اهل سنت به ما دارند همین است که می گویند احادیث شما مُرْسَل است البته مرسل بر مبنای خودشان و ما می گوئیم در روایت های دیگر فرموده حدیثی حدیث ابی و حدیث ابی حدیث جدی و حدیث جدی حدیث رسول الله است و این مسند است . مثلاً بخاری اول کتابش بگوید من هر حدیثی نقل می کنم به این سند نقل می کنم .

لذا این عبارت روی با تعبیر ائمه اطهار اصلاً سازگاری ندارد.

قرینه چهارم

در بعضی از جاها به نقل این کتاب امام رضا تفسیر قرآن را از ابن عباس مثلاً نقل می کنند و این خلاف آن اعتقادی است که ما داریم که ائمه اطهار مرجع تفسیر هستند و دیگران در تفسیر قرآن به ائمه اطهار باید رجوع کنند نه اینکه ائمه در تفسیر قرآن به دیگران رجوع کنند ما معتقدیم که معنی **انی تارک فیکم الثقلین** ... این است که چون **کتاب الله** صامت است و امام کتاب الله ناطق است یعنی ينطق عن القرآن و این ناطق قرآن از کسی دیگر تفسیر قرآن نقل کند وجهی ندارد.

در همین کتاب در مساله حرمت اخذ اجرت علی تعلیم القرآن می گوید :

و رُوِيَ عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ فِي قَوْلِهِ تَعَالَى أَكْثَلُونَ لِلْسُّحْتِ قَالَ أُجْرَةُ الْمُعَلِّمِينَ الَّذِينَ يُشَارِطُونَ فِي تَعْلِيمِ الْقُرْآنِ.^۱

^۱ الفقه المنسوب إلى الإمام الرضا عليه السلام / ۲۵۳ / ۳۶ باب التجارات و البيوع و المكاسب

الفقه المنسوب إلى الإمام الرضا عليه السلام / ۴۱۶ / المائدة - ۵ - ص : ۴۱۶

اَکْأَلُونَ لِلشُّحِّ / ٤٢ / ٢٥٣

در اینجا نمیگویند ابن عباس گفت قال رسول الله خیر !!! حضرت رضا به ابن عباس در تفسیر اعتماد کرده است پس منبع قراردادن ابن عباس در مبانی ما جایی ندارد

اصلاً در اینجا امام رضا در تفسیر قرآن مستقیم به ابن عباس اعتماد می کنند و اسنادی به پیامبر هم ندارد و این مخالف سیره و شأن و جایگاه ائمه اطهار طبق اعتقاد ما است.

ادامه بحث را هفته آینده پی میگیریم.

"اللهم صلی علی محمد و ال محمد"